

کیر حکم قلم تراش اول
قلم نو تراش برقی قط نه
ساز حکم قلم با نون خوش
قط اول بگوئی ای
قط حرفت کنی خط باشد
قاصدای قلم خوش نوی
که صدای قلمت نکوت
صافیاید قلمت باری

در کتبیه قلم گوید

کاتبان چون قلم تراشیدی
ان قلم را بنقطه کعبه بر کن
ان قلم نقطه چون درست یاید

در بیان وضع نسخ نویسی

نسخ نویسی اگر خطی و عیسیت
مبش با خطی بود ازلی
نی نگارش از ان مکرر زیست
کاتبان را که کعبه ویند
مولوی جعفر و دیگران
در جمیع خطوط پاره و مکرر

خط با کش چشما و دورن
بمعاصر جمیع الا فضال
اکم شمش چو میوه ای جند
نمده رفتند ازین جهان خراب
بهرشان را نچسب خوشم و دلم

در بیان اصول خط

اصول ترکیب کلمات و نسبت
نسخ خط اصول ترکیب است
بعدینجا صغیر و وان نزول
نسخ و تیس را بجز ارسال
مست ارسال در خطوط و کر

در جمع کردن خطوط مستادان

جمع کردن خطوط مستادان
نظریه می کن برین بران
طبع قوسوی هر کدام شید
نکته خرف و در شود خوش

در مشق نوع تعلیم

مرد و نوجوان شش و نهم
تعلیمی جوان یک و دو نفری
تسلیم شش کردن نقلی
نور مشق شش و شام بلی